

پژوهشی در بازی‌های محلی و بومی در منطقه تالش‌نشین عنبران

افشین خان‌بازاده*

چکیده

بازی‌های بومی و محلی یکی از گونه‌های ادبیات شفاهی هستند، که بخشی مهم از میراث فرهنگی و اجتماعی هر منطقه را به خود اختصاص داده‌اند. این بازی‌ها نه تنها به عنوان سرگرمی، بلکه به عنوان ابزاری برای تقویت روابط اجتماعی، آموزش مهارت‌های مختلف و حفظ سنت‌های گذشته کاربرد دارند. بررسی این بازی‌ها به شناخت بهتر هویت فرهنگی، تعاملات اجتماعی کمک می‌کند و تأثیرات مثبتی بر سلامت جسمانی و روحی افراد می‌گذارد. بسیاری از این بازی‌ها نیازمند فعالیت بدنی هستند و می‌توانند به تقویت مهارت‌هایی مانند همکاری گروهی، تصمیم‌گیری سریع و خلاقیت کمک کنند. در این مقاله، به بررسی بازی‌های بومی و محلی، در منطقه عنبران پرداخته شده است. ابتدا داده‌های میدانی از بزرگسالان منطقه عنبران، جمع‌آوری شد اول آوانویسی و بعد ترجمه شدند و واژگان کلیدی هر بازی توضیح داده شد. نتایج نشان داد که توسط گویشوران لغات و اصطلاحات تخصصی مختص هر بازی که تعدادشان هم کم نیست به کار رفته که از منظر زبان‌شناسی قابل بررسی هستند چون در دل آن‌ها گنجینه‌های فراوانی از واژه‌هایی که دیگر کاربرد ندارند نهفته است مانند چور مانند چور «čor»: به معنی دزدیدن، لپ «lapa»: تکه کوچکی از سنگ و یا سفال که شکلی صاف و تخت دارد. گِرَز «gəraz»: دایره، این واژه‌ها تنها جزئی از هزاران واژه‌هایی هستند که در متن بازی‌ها آمده‌اند.

واژه‌های کلیدی: ادبیات شفاهی، بازی‌های بومی، میراث فرهنگی، سلامت جسمانی، منطقه عنبران.

* کارشناس ارشد زبان‌های باستانی ایران - دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجه - دانشگاه تبریز. تبریز. ایران.

۱- مقدمه

برای بررسی گذشته اقوامی که هیچ آثار مکتوبی از خود به جای نگذاشته‌اند بررسی بازی‌ها یکی از کارهای مهم است زیرا با بررسی آن‌ها سیر تحول زبان و تاریخ اجتماعی و فرهنگی جوامع مشخص می‌شود، بازی‌های بومی و محلی بخش مهمی از فرهنگ و سنت‌ها و ادبیات شفاهی هر جامعه محسوب می‌شوند. این بازی‌ها که اغلب ریشه در تاریخ و زندگی روزمره مردم دارند، علاوه بر سرگرمی، نقش مهمی در تقویت روابط اجتماعی، پرورش خلاقیت و انتقال ارزش‌های فرهنگی ایفا می‌کنند. با گذر زمان و ورود تکنولوژی‌های جدید، بسیاری از این بازی‌ها در معرض فراموشی قرار گرفته‌اند؛ اما شناخت، حفظ و احیای آنها می‌تواند تأثیرات مثبت زیادی بر انسجام اجتماعی و پیوند نسل‌ها داشته باشد. بازی‌ها و ورزش‌های سنتی و محلی بخشی از میراث فرهنگی غیر مادی بشریت هستند، پس شایسته آن هستند به عنوان فرهنگ مردم حفظ و احیاء شوند. «واژه بازی در اصل زبان پهلوی واژیک و در متون پهلوی در کنار سایر تفریح‌های عمومی و مجاز استفاده می‌شده است. در ایران عصر ساسانی هر تفریح و شادمانی شایان توجه را عنوان بازی می‌دادند. بازی را می‌توان هر گونه فعالیت فیزیکی یا فکری چه به صورت فردی یا جمعی به منظور گذراندن وقت، آمادگی جسمی، تقویت حافظه و هوش، اجرای مراسم آیینی، نیایشی و رزمی برای رسیدن به یک هدف دانست» (جهازی: ۱۳۹۵: ۵۲).

چون بازی‌ها و ورزش‌های سنتی از جمله رفتارهای بشری است که قابلیت بسیاری برای ایجاد ارتباط و گفت‌وگو داشته و بسیاری اوقات به عنوان وسیله‌ای برای رفع کدورت‌ها و یا ایجاد تعامل میان افراد و جوامع به کار رفته است (رضوانفر، ۱۳۹۰: ۵). بازی‌های بومی و محلی به مجموعه‌ای از فعالیت‌های سرگرم‌کننده اطلاق می‌شود که در جوامع مختلف شکل گرفته و به صورت سینه به سینه و نسل به نسل منتقل شده‌اند. این بازی‌ها نه تنها جنبه تفریحی دارند، بلکه به عنوان ابزاری برای آموزش مهارت‌های اجتماعی، تقویت همکاری گروهی و انتقال ارزش‌های فرهنگی مورد استفاده قرار

می‌گیرند. «بازی‌های بومی به فعالیت‌هایی می‌گویند که در ارتباط با فرهنگ تیرهٔ خاص از استان بوده و به طورکلی از فرهنگ مردم هر قوم و نژاد و منطقه مایه گرفته و رابطه‌ای تنگاتنگ و نزدیک با شیوهٔ زندگی، رفتار، کردار و مناسبت‌های آن‌ها دارد» (جمالی گشتی، ۱۳۹۷: ۱۸).

پس این بازی‌ها «به جهت انطباق با علایق ملی، ذوق و هنر مردمی و نهایتاً فرهنگ جامعه می‌تواند گسترش خوبی یافته و در جامعه عمومیت پیدا کند. این ورزش‌ها و بازی‌ها می‌تواند با امکانات ساده و موجود در اجتماع و فارغ از هر محدودیتی به ساده‌ترین شیوه، قشر عظیم و وسیعی از افراد جامعه را در سنین مختلف تحت پوشش قرار دهد» (کاشف، ۱۳۷۷: ۱۰). چون بازی‌های بومی بخشی از میراث فرهنگی هر جامعه هستند و انعکاسی از سبک زندگی، باورها و ارزش‌های آن محسوب می‌شوند. بر اساس «نیازهای مختلف جامعه پدید آمده‌اند بعضی از آنها جنبه تفریحی و بعضی دیگر جنبه آموزشی دارند و هر کدام به صورتی در پرورش اندیشه و جسم کودکان و افزایش مهارت‌های او نقش دارند. بسیاری از بازی‌های سنتی در گذشته در فضای باز و زمین‌های وسیع و خانه‌های حیاط دار اجرا می‌شدند اما بعضی از بازی‌ها برای شب‌های سرد زمستان که افراد خانواده و دوستان دور کرسی جمع بودند طراحی شده بودند. اکثر این بازی‌ها، بازی‌های نمایشی بود و بازیگران و تماشاگران را سرگرم می‌کردند» (جهازی، ۱۳۹۵: ۵۲). این بازی‌ها «به دلیل تمایلات، گرایش‌ها و علایق فرهنگی، ذوقی و هنری مردم مناطق مختلف از تنوع زیادی برخوردار است. مهم‌ترین ویژگی بازی‌های سنتی، سادگی پرداختن به آن‌ها در هر زمان و هر مکان و عدم نیاز به ابزار و وسایل پرهزینه می‌باشد» (موسوی، ۱۳۸۶: ۲۱). چون «بازی آمادگی و تمرینی خوب و مناسب برای ارزش‌گذاری و جهت‌گیری علایق و عواطف و هیجان‌های کودک و نوجوانان است. کودک در بازی مفاهیمی چون نوع دوستی، تعاون، ایثار، صبر، گذشت و استقامت را به طور ناخودآگاه می‌آموزد. این مسئله عاملی آموزنده در تکوین

شخصیت آینده اوست و مانند دیگر نقش‌های تربیتی از قبیل والدین، مربیان و رسانه‌ها، می‌تواند مهم باشد» (قاسمی خطیر، ۱۳۹۰: ۱۳).

جالب‌تر این‌که «شیوه اجرای بازی‌ها طوری است که گویی همه تماشاگران در جریان آن شرکت دارند و به زبان دیگر هم تماشاگر و هم بازیگرند. بازیگران، ضمن بازی، با حاضران در مجلس صحبت و شوخی می‌کنند و هر وقت لازم باشد کسی را از میان آن‌ها به بازی می‌گیرند. به همین ترتیب تماشاگران نیز ضمن تماشای بازی در کار بازیگران دخالت می‌کنند و خود را نه در یک نمایش، بلکه در متن موضوع و جزئی از حادثه که گویی در واقعیت رخ می‌دهد، احساس می‌کنند. این ویژگی در بسیاری از این بازی‌های آیینی و سنتی به چشم می‌خورد» (موسوی، ۱۳۸۶: ۲۵). آنچه ناگوار می‌نماید این است که «یورش پی‌درپی فرهنگی رسمی موجب عقب رانده شدن و در پستو پنهان شدن بسیاری از این عناصر فرهنگ بومی و قومی در اعماق مناطق جنگلی و کوهستانی گردیده است، چنان که بسیاری از این بازی‌ها و آیین‌ها دیگر به ندرت، آن هم در دورترین نقاط روستایی، برگزار می‌شوند. بسیاری دیگر از آن‌ها نیز فقط در ذهن و خاطرات ریش‌سفیدان و گیس‌سفیدانی که یک پای‌شان لب‌گور است و آفتاب عمرشان لب‌بام، وجود دارند» (موسوی، ۱۳۸۶: ۲۷). مطالعه این بازی‌ها کمک می‌کند تا تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگی میان جوامع مختلف شناخته شوند و یک ابزار برای شکل‌گیری اخلاقی شناخته می‌شوند که موجب تقویت ارتباط میان افراد و گروه‌ها می‌شود. این بازی‌ها به ایجاد حس همبستگی و مشارکت کمک کرده و می‌توانند نقش مهمی در کاهش تنش‌های اجتماعی و افزایش اعتماد میان اعضای جامعه داشته باشند. نیاز به «بازی و سرگرمی، نیازی عمومی و جهانی است. این نیاز عمومی گاه مرزهای سن، جنس، موقعیت اجتماعی و پایگاه اقتصادی و جغرافیایی را در هم می‌شکند و روستایی بودن، ایل‌نشین بودن، شهری بودن، در انجام آن تأثیری ندارد و در واقع هیچ ملتی را بدون بازی و سرگرمی نمی‌توان یافت» (جمالی‌گشتی: ۱۳۹۷: ۱۵). چون «بازی موجب رشد شخصیت کودکان می‌شود، آن‌ها در بازی گروهی

ناگزیر به رعایت نکته‌های اجتماعی و قواعد بازی می‌شوند و در نتیجه مفاهیم اجتماعی مانند صبر، احترام به حقوق دیگران، اعتماد به نفس، پیروزی و شکست و وظایف و نقش‌های اجتماعی را یاد می‌گیرند» (قاسمی خطیر، ۱۳۹۰: ۱۴). بازی‌ها به‌عنوان یک فعالیت سرگرم‌کننده، موجب کاهش سطح استرس و اضطراب می‌شوند. شرکت در بازی‌های بومی می‌تواند احساس شادی و آرامش را افزایش داده و به‌عنوان یک راهکار مؤثر برای مقابله با تنش‌های روزمره عمل کند. آنی‌زاده برای بازی‌های سنتی اهدافی را برشمرده‌است: «افزایش روحیه مسئولیت‌پذیری، ایجاد هنجارپذیری، تقویت روحیه استقلال‌طلبی، افزایش تعاون و همکاری، ایجاد نشاط و شادی، افزایش بردباری و شکیبایی، نزدیکی به طبیعت، تأثیرات متقابل کودکان و بزرگسالان، برانگیختن روحیه اعتماد به نفس، پرورش خلاقیت و ایجاد سرگرمی» (آنی‌زاده: ۱۳۸۷: ۸۶).

در کل بازی‌های بومی و محلی در منطقه عنبران بسیار متنوع و گوناگون هستند، برای هر فصل و دوره خاص، بازی و سرگرمی و ورزشی وجود دارد. بنابراین در راستای پاسداری از این میراث کهن ضرورت دارد که بازی‌های موجود در گویش‌ها از جمله گویش‌های زبان تالشی به صورت میدانی جمع‌آوری شود، چون «در هرگوشی تعداد زیادی بازی و تفریح وجود دارد که اغلب‌شان از قدیم به یادگار مانده‌اند. نه تنها نام هر بازی و تفریح بومی، بلکه اصطلاحات تخصصی هر کدام، که تعدادشان کم هم نیست، می‌تواند شکلی از زبان را به ما معرفی کند که هم از منظر زبانی؛ و هم با رویکردهای سایر علوم قابل بررسی است» (سبزعلیپور، ۱۳۹۵: ۱۵۶). نگارنده در این پژوهش تلاش می‌کند چند نمونه از این بازی‌ها را بررسی کند تا در حفظ و احیای آن برای آیندگان نقشی کوچک داشته باشد.

۱-۱. زبان تالشی و منطقه عنبران

زبان تالشی جزء زبان‌های شمال غربی ایران است که در مناطق وسیعی از کشور ایران در استان‌های گیلان و اردبیل بدان سخن گفته می‌شود؛ همچنین در بیشتر مناطق

جمهوری آذربایجان زبان تالشی رایج است. رضایتی گیشه خاله تالشی را به سه گروه تالشی شمالی، مرکزی، و جنوبی تقسیم می‌کند و می‌نویسد: «مقصود از تالشی شمالی، تالشی آن سوی رود ارس، یعنی تالشی جمهوری آذربایجان است که ادامه آن در ایران تا گرگان رود تالش، پیش رفته است. مراد از تالشی مرکزی، گویش‌هایی است که در قلمرو دو رودخانه سفارود در جنوب، و ناورود در شمال، تداول دارد. مراد از تالشی جنوبی، تالشی مناطق میان سفارود تا سفیدرود است که شامل تالشی خوشابری، ماسالی، ماسوله‌ای، سیاهمزیگی و دیگر گویش‌های جلگه‌ای گیلان می‌شود» (رضایتی گیشه‌خاله، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۹). عنبران منطقه‌ای که در شمال استان اردبیل منتهی به مرز کشور آذربایجان و غرب گیلان واقع شده است، در محدوده گویش تالشی شمالی قرار دارد که گویشوران آن دارای لهجه‌ی عنبرانی می‌باشند. ماندگاری برخی واژه‌های کهن در تالشی عنبرانی اصالت و دیرینگی این لهجه را اثبات می‌کند. «ماندگاری برخی واج‌ها و واژه‌های کهن در گویش تالشی شمالی، ضمن اثبات اصالت و دیرینگی آن، از نظر اجتماعی نیز بیانگر ارتباط درون گروهی گویشوران آن در گذشته بوده و نشان می‌دهد که عوامل برون زبانی در تحولات آن کمتر نقش داشته است» (رضایتی گیشه‌خاله، ۱۳۸۷: ۵۸).

1-2. سوالات تحقیق

بازی‌های بومی و سنتی در عنبران کدامند؟

آیا هنوز این بازی‌ها انجام می‌شوند یا فراموش شده‌اند؟

1-3. روش تحقیق

این پژوهش تلفیقی از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی است. روش میدانی: مصاحبه‌های میدانی بیشتر در روستاهای استان‌های اردبیل و گیلان انجام شده است. نخست، پژوهشگر به روستاهای شهرستان‌های عنبران و آستارا که دارای قدمت بیشتری بوده‌اند و هنوز بافت قدیمی آنان دست نخورده باقیمانده بود، سفر کرده و داده‌های میدانی خود را درباره بازی‌ها با مصاحبه با مردمان قوم تالش شمالی که بیشتر

سالخورده بوده‌اند جمع‌آوری کرده است. ابتدا، پژوهشگر سوال‌های مربوط به بازی‌های بومی و سنتی را بصورت جداگانه می‌پرسد. سپس گفتار افراد مصاحبه شده را یادداشت می‌کند. میانگین زمان مصاحبه‌ها بین ۳۰ تا ۱۰ دقیقه بوده است. در ادامه، تمام مصاحبه‌های افراد مصاحبه شونده را کدگذاری کرده و از گویش تالشی شمالی به زبان فارسی برگردانده است، مطالب مهم و واژگان مرتبط با بازی‌ها و برداشت از آن‌ها را یادداشت برداری کرده است. پس از اتمام این مرحله، به دسته‌بندی، آوانویسی و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده پرداخته است، واژگان مربوط به هر بازی را جداگانه توضیح داده شد.

1-4. پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق درباره بازی‌های بومی و محلی شامل بررسی مطالعات گذشته در زمینه تأثیرات اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی و شناختی این بازی‌ها است. در زمینه بازی‌های بومی محلی ایران آثار متعددی به چاپ رسیده: کتاب بازی‌های سنتی ایران، نشر فرهنگستان هنر، (فرید: ۱۳۹۵)؛ بازی‌های محلی (امیری: ۱۳۷۰)؛ بازی‌های بومی و محلی شمال غرب ایران (خدادادی: ۱۳۸۹)؛ بازی‌های بومی ترکمن‌ها (فجوری: ۱۳۸۳)؛ راهنمای بازی‌های ایران (قول ایاغ: ۱۳۷۹)؛ فرهنگ بازی‌های محلی ایلام (محمدی: ۱۳۸۳)؛ ورزش‌های سنتی بومی و محلی (ملک محمدی: ۱۳۶۴)؛ بازی‌های بومی و محلی استان چهارمحال و بختیاری (هادی‌پور: ۱۳۷۱)؛ بررسی مردم‌شناسی بازی‌های سنتی در استان ایلام (رضاپسند: ۱۳۸۶)؛ بررسی مردم‌شناختی فرهنگ بازی‌های بومی محلی در روستای مرزداران (رخشنده: ۱۳۸۸)؛ بررسی مردم‌شناسی بازی‌های سنتی شهرستان گرمسار (خدای: ۱۳۸۸)؛ بازی‌های بومی محلی استان اردبیل (نقی‌زاده باقی: ۱۳۸۶)؛ «ارزیابی جایگاه بازی‌های بومی و محلی در توسعه مناطق روستایی» (نقوی و همکاران: ۱۳۹۲)؛ مقاله بعدی «تحلیل بازی‌های بومی محلی بررسی موردی بازی زو» جوشقانی: ۱۳۹۷)؛ بررسی وضعیت بازی‌های بومی و محلی استان گلستان (نیازی: ۱۳۹۰)؛ «بازی‌های کهن در ایران»

(بلوک باشی: ۱۳۸۶)؛ نقش بازی‌های بومی در توسعه اجتماعی (شریفی: ۱۴۰۰)؛ بازی‌های بومی و محلی شمال غرب ایران (خدادادی: ۱۳۸۹)؛ بازی‌ها، و سرگرمی‌ها و آیین‌های تالشی (جمالی گشتی: ۱۳۹۷)؛ بازی‌های گیلان (غلامی: ۱۳۹۰)؛ بازی‌های بومی و محلی آذربایجان غربی (کاشف: ۱۳۷۷)؛ بازی‌های بومی و محلی ایران (رضوانفر: ۱۳۸۹)؛ نمایش‌ها و بازی‌های سنتی گیلان (موسوی: ۱۳۸۶)؛ در مجموع می‌توان گفت که هیچ پژوهش مستقل و قابل توجهی در زمینه بازی‌های بومی و محلی عنبران انجام نشده‌است، لذا انجام این پژوهش در شاخه ادبیات عامه اقوام تالش عنبران ضروری به نظر رسید.

۲- یافته‌های تحقیق

قبل از پرداختن به بازی‌ها لازم است اول به چگونگی شیوه تعیین نوبت و سپس شیوه یارگیری این بازی‌ها به پردازیم:

2-1. شیوه تعیین نوبت

در بازی‌ها نحوه تعیین نوبت شروع بازی به صورت‌های زیر است:

2-1-1. «tār heškenə» تار هسکه‌نه

تر یا خشک

اول یک سنگ پهن و تخت کوچک و یا تکه سفالی که به آن «lapa» گفته می‌شود را انتخاب کرده و یک طرفش را با آب دهن خیس کرده و سردسته هر گروه یک طرف آن را انتخاب می‌کند و بعد به هوا پرتاب می‌کنند وقتی که به زمین افتاد، اگر روی خشک بالا بود سرگروهی که آن را انتخاب کرده شروع کننده است و اگر طرف تر بالا باشد بازی را باید انتخاب کننده آن شروع کند.

2-1-2. «jik bekene» جیک بکنه

جیک و بورک

اول با یک بچول (جزء استخوان‌های پای عقب گوسفند است که به آن در زبان محلی «cey» گفته می‌شود) که هریک از سرگروها یک طرف آن را انتخاب می‌کند و

می‌گویند جیک هستی یا بئک بعد آن را به هوا پرت کرده اگر بچول رو طرف بئک به زمین رسید انتخاب کنندهٔ آن اول شروع می‌کند و اگر روی جیک نشست انتخاب کنندهٔ آن شروع کنندهٔ بازی است.

2-2. شیوهٔ یارگیری

دَوَاین «davoIn»

دست در گردن

در این شیوه سر دسته یا سرگروه‌ها با هم در جایی می‌ماندند و دیگر نفرات دو نفر – دو نفر دست در گردن هم می‌رفتند با توافق هم هر کدام برای خود اسمی انتخاب می‌کردند مثلاً وئل «vel» و گئل «gel» بعد از آمدن از سر گروه‌ها می‌پرسیدند کی ول می‌خواهد کی گئل می‌خواهد، سرگروه‌ها یکی از اسامی را انتخاب می‌کردند و نمی‌دانستند آن اسم از آن کیست. بدین صورت یارگیری انجام می‌شد.

2-3. انواع بازی‌ها

در این تحقیق چهار نمونه از بازی‌های رایج در منطقهٔ عنبران بررسی شد که بیشتر از سایر بازی‌ها مورد اقبال و توجه بود و بیشتر گویشوران آن را تجربه کرده بودند و تا چند سال پیش اوقات فراغت خود را با پرداختن به آن‌ها سپری می‌کردند.

2-3-1. قره قزنه qaraqzanə

راوی: رفق اسرافیلی، (متولد ۱۳۵۴). ساکن شهر عنبران .

تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۹/۳/۲۶

1. gelə ʔadima hoyə ki ānbānanda nāko a hoyə ba kolə I de māng māndə hoyə akin de sa ba sənza ave šəmaro votinam, čə hoyə nom qaraqzanə be. de jāʔa odam dayade avoIn hā jāʔau Ila yol ʔo aby ačanize an ašin da avoIn avoni ki dayde tošin yā zenəanda yā zuyanda yā čavon ʔadanda, avon ašin da avoIn de gela ba degela ašin da avoIn ave, ki ba hoyanda sāro sāpə nebo duz taysim bebon em bālān. de nafar de nafar ašin davoIn eštāro gelə nom anin čavon dāsta yol nazoni ki kome koyla nom čičə.

1. یک بازی قدیمی که در عنبران قبلاً یک یا دو ماه مانده به چهارشنبه‌سوری و عید تا سیزده‌بدر بازی می‌کردند برای شما می‌گویم اسم آن بازی قره‌غزنه بود. دو گروه با هم توافق می‌کردند و هر گروه یک سرگروه تعیین می‌کردند بقیه افرادی که باهم یا در قد، یا در زرنگی، یا در فهم، یا در زور بازو، باهم برابر بودند، دونفر دونفر جدا می‌شدند و دست رو دوش هم می‌رفتند برای خود اسمی انتخاب می‌کردند که سر دسته‌ها نمی‌فهمیدند اسم انتخابی برای کیست، تا دسته‌ها یا زیاد قوی و یا ضعیف نباشند.

2. avon ašin eštāro nom anin avoIn avotin allā allā bagillā em de nafar avoty sāydo misallā avon anomi ki eštāro noabe masalan Ila avoty čemān nom vel aylan avoty čemān masalan gel a de nafar avoty ki piyana vel ki piyana gel, ča dāsta yolo Ila avoty mān vele piyana ayla avoty mān gelə piyana žego emon bāxšo abiyn hani Iyo fayre bud aby yani tayaloban be hoyanda naby, gerd avon gela gela ašin žego hārki eštān tošanda, eštān hamroanda ašy davoIy.

۲. می‌رفتند برای خود اسم انتخاب می‌کردند بعد می‌آمدند می‌گفتند: الله الله بگی الله سر دسته‌ها می‌گفتند ساقدو میسه الله بعد یکی از آن دونفر اسم انتخابی را بیان می‌کرد و می‌گفت: چه کسی گل را می‌خواهد چه کسی دانه گل را، یکی از سر دسته‌ها اسم گفته شده را انتخاب می‌کرد و به این شکل یارگیری می‌کردند به این شکل تقسیم می‌شدند که تعادل و قدرت دسته‌ها به یک شکل باشد.

3. pešk takina emon bāxš abiyn hani Iyo Ila navoty čemān dāsta odame zalfin ayla avoty čemān dāsta odame yavin. av jory aby ki xedo peškanda emun bāxš akin, čaveko bapešta avin gelə lapaka sey ki bave lapan vona ave peyagatin ayoan užan avoyin navotin āz nāhul bebom te čemān bapəšta beby ayoan avoyin ča seye Itarafe tār akin avotin beda užan Iyoan hār jora bin xedo piyana žago toš boe, amaro pIayāndin tār heškenə akin Ila hešk aby Ila tār hār kasy votə baby av baylako ba nā hoyā šero aky, I dāsta odam amāndin, aydāsta ašy ninbeyro čemon dāsta yol binim nešta Iyo amāndy adāsta ky šay ninbay čave yol čayla dāsta yole čaše agaty.

3. با روش پشک تقسیم می‌شدند تا نارضایتی نباشد که گروه من ضعیف است، و یا دستهٔ شما قوی است، بعد از آن با یک سنگ یا یک تکه سفال تر یا خشک می‌کردند که شروع کنندهٔ بازی نیز مشخص شود. بعد یک دسته در جایی مشخص می‌نشست و دسته دیگر برای قایم شدن پراکنده می‌شدند در این بین چشم سر دسته افرادی که نشسته‌اند توسط سر گروه دیگر بسته می‌شد.

4. čave pešte ko Ivā lengon akoI ba zamin sado aky Ivā sado beyaky ky em yol nezonə čemān dāsta čony še nin beyro Ivā avoty beštān dāsta Ivā avoty hosta bešy zu bo hosta bešy zu bo teptep maka leplep beka, yani em yol nemase ave cony šeIn jory aky šoloy aky gade čavon lenge sado nemase av čony šeIn ninbero, a dāsta I ky neštabe Iyo hyeš nebe baštān yole bevote ave čony šeIn, avon ki ašin gerd ninabin em yol hany ārxen aby ki ave nin beIn gerd, čeme čaše vāady avoty hā qraqazan vādome yani čeme čašon ukā, čave čašonem ki gerd ukārdin av ašy anavy bapə bašy avon pado baky.

4. این سر دستهٔ پاهایش را به زمین می‌کوبد و ایجاد صدا می‌کند و می‌گفت: آهسته بروید زود بیایید آهسته بروید زود بیایید تپ تپ نکنید لپ لپ کنید تا این سر دسته متوجه نشود افراد کجا مخفی می‌شوند و از کدام طرف رفتند و افرادی که نشسته‌اند حق ندارند به سرگروه خود بگویند که گروه مقابل کدام طرف رفتند، بعد وقتی دید گروهش در جایی امن مخفی شدند با صدای بلند باز کردن چشم سرگروه مقابل را به افرادی اعلام می‌کند و می‌گوید ای قره‌غزن باز کردم سر گروه‌ها با هم دنبال افراد مخفی شده را می‌گیرند.

5. em de nafar šinay šina avon pado bekan em domāna gela hežo piyanay em nā gela nezono pado kārde, avon hežo nin ban em hežo piyana ave beba ba duyaroa vera, čeme hamrove berasen čave hamron sasa zapāng bežane bad emon ky Iyo neštan bapə beštān dāsta yole xaba bedan ky avon piyana berasen ama bežanen, emon axta nazonin oškaro kārde ky avon piyana boen čemon žayəro, eme bape γla γel bakin čemon dāsta yol čayo eštān barosny bedāsta, dāsta yol axta anavy agam avon bayendy ko uraxabe bape bavoIn az aval avon baneštīn emon bašin nin babin.

5. سرگروه‌ها می‌رفتند دنبال افراد قایم شده، که سرگروه اول می‌خواهد بداند کجا مخفی شده‌اند و دیگری نمی‌خواهد او بفهمد و سعی می‌کند او را به بیراهه هدایت کند بقیه افراد که نشسته‌اند حق ندارند به سر گروهشان بگویند که دستهٔ مقابل کجا مخفی شده‌اند، افراد مخفی شده که مطمئن شدند دیگر سرگروه مقابل دور شده‌است خودشان را به گروهش می‌رسانند و کتک زدن را شروع می‌کنند افرادی که کتک می‌خورند حق ندارند فرار کنند و یا مقابل به مثل کنند تنها حق دارند با داد و فریاد سرگروهشان را که دور شده‌است خبر کنند، با داد و فریاد سرگروه خود را خبر می‌کنند تا بیاید از افراد خود در مقابل مهاجمان محافظت کند. اگر جای افراد مخفی شده را پیدا می‌کرد بازی از اول شروع می‌شد و جای گروه‌ها عوض می‌شد.

6. *agam nayendy avon axta čaš akin em dāsta bešo bagelə doaroa vera dāsta yol bešo bagelə doaroa vera, avon čayo eštān aresony be dāsta, ču penj nafar čayo rasay be dāsta zapāng dečo akin emonan hax ni čiyo pəbon betelen emonan faḡat bapə ɣeyayeI bakin a yol čayo barasy dāste bany eštān hamron sasa, bagārdy čemon gerdo nasty bemon nəz boen agam em yol dāsteš ce bālān sasa baby lengeš bavun gele bageny yany avon sotin noba bape avaz baby, avon bapə beneštyn esa emon bapə bašin ako anjom badin vaḡty ki čavoneš soteanda dāst čemon sau peagaty av doa nebe bape dāsteš čemon sasa baby lengeš bavon gele barasy eštān zarba bavon bažany ki avon basotin.*

6. اگر سر دسته جای افراد پنهان شده را نمی‌دید وقتی دور می‌شد، این‌ها خودشان را به افرادش می‌رسانند و کتک زدن را شروع می‌کنند و افرادی که نشسته‌اند حق ندارند از آنجا بلند شوند و فرار کنند و یا مقابله مثل کنند فقط حق دارند داد و فریاد کنند تا سر دسته‌شان برای محافظت از آن‌ها بیاید، وقتی که سرگروه متوجهٔ فریاد شد خودش را برای محافظت از گروه می‌رساند و دستش را روی سر افراد گروه می‌گذارد و دورشان می‌چرخد و سعی دارد با پایش افراد مهاجم را دور کند اگر در این بین پایش به افراد مهاجم اصابت کرد آنها سوخته‌اند.

7. *hoya čabayen pəgārdy nobasatin avon avoIn bačemon vera emon ašin ba čavon vera em gelə hoyabe čeme nom qaraqzanə be, kole I de*

māng mānde bavanda ʔadimy šero akin em nāko odamon de dosa sənza sənza ko bapešta ky avasora ko šero aby em hoyā gerda aby āz rafey bim pənaānbaž šemarom em hoyā tarif kā.

7. بعد از این اتفاق جایشان عوض می‌شود موقع اصابت پا به مهاجمان دستش نباید از روی سر افرادش جدا شود. این یک بازی بود اسمش قره‌غزنه بود که یک یا دو ماه مانده به چهارشنبه‌سوری و عید شروع می‌شد و تا سیزده بدر انجام می‌دادند، بعد که فصل کار و تلاش شروع می‌شد این بازی جمع می‌شد. من رفیق بودم اهل عنبران بالا، که این بازی را برای شما تعریف کردم. این بازی را هم دختران و هم پسران انجام می‌دهند و گاهی مختلط نیز بازی می‌شود و بعضی وقت‌ها زنان نیز این بازی را انجام می‌دهند.

اهداف کلی: این بازی با ایجاد محیطی سرگرم‌کننده و تعامل‌محور، رعایت حقوق دیگران، ترویج ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، ایجاد رقابتی گروهی و دسته‌جمعی را به نمایش می‌گذارد و بازیکنان با استفاده از استراتژی‌های مختلف و تصمیم‌گیری سریع، توانایی‌های ذهنی خود را تقویت می‌کنند.

اهداف جزئی: این بازی به حفظ و انتقال فرهنگ و دانش سنتی کمک کرده و باعث می‌شوند که کودکان و نوجوانان با ارزش‌های جامعه آشنا شوند و برای انجام کارهای سخت کشاورزی آماده می‌شدند.

نتیجه بازی: این بازی گروهی است و نقش مهمی در حفظ فرهنگ‌های محلی و انتقال ارزش‌های اجتماعی دارد. به هویت فرهنگی کمک کرده و ارتباط میان نسل‌ها را تقویت می‌کند.

واژگان بازی

وئل: «vel» در زبان تالشی عنبران به گل گفته می‌شود.

گئل: «gel» به دانه گل گفته می‌شود.

إشتارو: «eštāro» برای خود. که نشان دهنده مالکیت، هدف یا انجام کاری به نفع شخصی است.

نین: « nin » مخفی و پنهان nin ban . مخفی شده‌اند، پنهان شده‌اند. این فعل به صورت گذشته مجهول به کار رفته است و نشان می‌دهد که یک عمل (پنهان شدن) توسط اشخاصی انجام شده، نون در انتهای ban نشان دهنده جمع بودن فعل است یعنی چند چیز یا چند نفر پنهان شده‌اند .

غئی غه‌ای: « ɣeyayel » داد و فریاد. یک ترکیب اسمی است که از تکرار یک واژه تشکیل شده است و نوعی تکرار تأکیدی است که تأکید بر شدت است و معمولاً برای توصیف بلند صحبت کردن، اعتراض شدید، یا هیاهو به کار می‌رود و ناشی از هیجان، عصبانیت یا ترس انجام می‌شود .

سوته: «sote» سوخت. در این بازی کلمه سوته به صورت یک فعل گذشته به کار رفته است و به معنای از دست رفتن یا نابود شدن می‌باشد و در مواقعی استفاده می‌شود که فردی فرصت یا حق انجام کاری را داشته باشد، اما به دلایلی آن را از دست بدهد، و در این بازی هم به این معنا به کار رفته است.

آوون: « avon » آن‌ها. ضمیر اشاره جمع است و برای اشاره به گروهی از افراد، اشیا و موجودات استفاده می‌شود.

لپ: « lapa » تکه کوچکی از سنگ و یا سفال که شکلی صاف و تخت دارد.

2-3-2. قییشه نه

راوی: تاجه فرمانی، (متولد ۱۳۴۰). ساکن روستای عنبران علیا، شهرستان نمین.

تاریخ مصاحبه: ۱۴۰۰/۶/۱۸

(qalšənə کمر بند بازی)

em hoyal ki āz šema ro vonam nomeš qalšənə.

این بازی که من برای شما می‌گویم نامش کمر بند بازی است .

1. qalšənə gelə hoyal ki jəvona zoān ave anjom donan, de dāsta binan hār dāsta čo yā pənj nafarin, sefta gelə gərəze akerninan čako bapešt tār heškənə kānan Ila lapa pəganān čave I tarafe tār kānan pəyānan havo hār tarafesa ageni zamin bata šir xatenə malom bakā ki gərəze

delanda ɣalše sako bemānde ki gərəze bironanda bemānde, čako bapəšt ɣalšon ubayānden hā qalše sako I nafare bamānd lenge bape qalše piyo nena, hamla akān bapiya ave ča gərəze delau bəvan ba-biron tā čave qalše pəgaten.

1. کمر بند بازی یک بازی است که پسران جوان آنرا انجام می‌دهند دو دسته می‌شوند هر دسته چهار یا پنج نفر هستند. اول یک دایره روی زمین رسم می‌کنند بعد از آن با یک سنگ پهن که از کف دست کوچکتر است بر می‌دارند یک طرف آن را خیس می‌کنند پرت می‌کنند به هوا که روی هر طرف افتاد به زمین مثل شیر خطی که با سکه انجام می‌دهند که معلوم شود کدام دسته داخل دایره بالا سر کمر بند بمانند و کدام دسته بیرون از دایره بمانند، بعد از آن کمر بندها را روی زمین پهن می‌کنند سر هر کمر بند یک نفر می‌ماند پایش را باید روی کمر بند نگذارد حمله کنندگان می‌خواهند او را از داخل دایره به بیرون بکشند تا کمر بند او را بردارند.

2. gərəze delanda abevon bapiya qalše pəgaton dakerne ba dela tā čave dāsta besote, agam čave laɣa ba qalše pəgate begeno a dāsta gerd basotə bapə boen badela Ila dāsta čavon vera bagate, agam Ila ɣalš ba dāst biyon xali čoke čon bavanda bana ayla qalšon gerd ča gərəze delau bəvārde Ivā dyfo akān baža, Ivā a- qalše ki hala zamine sa ča gərəze delanda baža tā ki aveš ča gərəzo bəvārdə, vāyti ki hama qalšon gərəzo bəšein hoyā lazat šero babə, hāiy Ila ɣalš pəmagaten Ivā avon ki ča gərəze delanda bažan, avon ča gərəze delanda pešt ba yade māndan ki kām qalš bavon begenə.

2. و آن کسی که داخل دایره است می‌خواهد کسی را که بیرون از دایره را به داخل دایره بیاورد تا دسته و گروه او بسوزند اگر پایش به کسی که کمر بند را برمی‌دارد اصابت کند آن دسته همه می‌سوزند باید به داخل بیایند و این دسته جای آن‌ها را بگیرند. اگر یکی از کمر بندها را بدون اینکه بسوزند بدست بیاورند خیلی خوب است چون با آن می‌توانند بقیه کمر بندها را نیز از داخل دایره به بیرون بیاورند وقتی که همه کمر بندها را از داخل دایره بیرون آوردند لذت بازی شروع می‌شود هر کدام یک کمر بند بر می‌دارند و آنانی که داخل دایره هستند می‌زنند و آنهایی که داخل دایره هستند پشت به هم می‌مانند که کمتر کمر بند مهاجمان به آنها اصابت کند.

3. qaļš bapə ba lenge begene agam ba sakə sifate begeno xato babə. Layə ba qaļš ažanon begeno bavanda čave hamron hama basoten, čavon vera avaz babə hoyə bata sefta šero babə.em hoyə hani xali kām anjom bina.

3. ضربه باید به پاها اصابت کند اگر به سر و صورت اصابت کند خطا محسوب می‌شود و جای آنها عوض می‌شود. و اگر ضربه پای افراد داخل دایره به مهاجمان اصابت کند دوستان او نیز سوخته محسوب می‌شوند باید بیایند داخل و بازی دوباره شروع می‌شود. دیگر این بازی خیلی کم انجام می‌شود.

توضیح اینکه: در بیشتر مواقع افراد شرکت کننده در این بازی کمر بند نداشتند به جای آن کهنه لباس را به صورت توپ می‌کردند و با نخ می‌بستند و به آن یک طناب به درازای یک کمر بند وصل می‌کردند به این درن «derna» یا ترن «terna» می‌گفتند به خاطر همین گاهاً به این کمر بند بازی، بازی درنا نیز گفته می‌شد. این بازی نیز دیگر منسوخ شده و با هر روزی که می‌گذرد بیشتر از یادها فراموش می‌شود.

اهداف کلی: تقویت فعالیت‌های فیزیکی که نیازمند هماهنگی میان ذهن و بدن هستند، رعایت حقوق دیگران، تقویت مهارت‌های حرکتی، هماهنگی دست و چشم، و واکنش سریع کمک می‌کنند.

اهداف جزئی: شرکت در این بازی باعث بهبود توانایی سازماندهی، اولویت‌بندی و مدیریت مؤثر منابع در زندگی روزمره می‌شود.

نتیجه بازی: این بازی گروهی است و باعث رشد و نمو و افزایش عکس‌العمل، تأثیرات شناختی عمیقی دارند که می‌توانند توانایی‌های ذهنی، استدلالی و حل مسئله افراد را بهبود ببخشند و در یادگیری و رشد شناختی آنها نقش مؤثری ایفا کند.

واژگان بازی

گرز: «gəraz» دایره. بیشتر به عنوان اسم به کار می‌رود و به شکل هندسی گرد اشاره دارد. در این بازی در این معنا کاربرد دارد.

هشک: «hešk» خشک.

هَنی: «hani» دیگر .

سئفته: «sefta» دوباره. نشان دهندهٔ چند بار انجام شدن یک کار .

سَکِه سیفت: «sakə sifət» سر و صورت. یک ترکیب اسمی است و به بخش‌های بالایی بدن اشاره دارد به ویژه سر و صورت .

پِه مگتن: «pəmagatən» برمی‌دارند. در زبان تالشی یک فعل مرکب است که به معنای بلند کردن، برداشتن است.

هَلَه: «hala» هنوز. قید زمان است. در این بازی زمان بازی را نشان می‌دهد.

2-3-3. عویه جانگه‌نه

راوی: بشارت محرمی، (متولد ۱۳۵۹). ساکن روستای عنبران محلهٔ شهرستان آستارا.

تاریخ مصاحبه: ۱۴۰۱/۳/۱۸

oyajāngəne جنگِ تخم‌مرغ

em hoyal ki āz šema ro vonam nomeš oyajāngəne.

این بازی که من برای شما شرح می‌دهم اسمش جنگِ تخم‌مرغ است .

1. em hoyal tokone basa zoānin anjom dona kinān em hoyal kānanin, vāytiki havo sārd bina vā hama vera agana de nafar tā penj nafar jam binan em hoyal šero kānan, sefta ča oyān delanda čāngela fara oya ki čave pust sey takina eštāro gela vežen kānan pəganān eštān dāndonanda Imtohon kānan čave esa asa žana ba dādone agam ča pust saft bebo ave čayo pəgana eštāro be Imtohone čāštə vonan.

1. این بازی را پسرها در جلوی مغازه‌ها انجام می‌دهند دخترها این بازی را انجام نمی‌دهند، وقتی که هوا سرد می‌شود و برف همه جا را می‌پوشاند دو نفر تا پنج نفر جمع می‌شوند با هم این بازی را انجام می‌دهند، اول در بین تخم‌مرغ‌ها چند تا تخم‌مرغ مناسب و خوب که پوستش مثل سنگ سفت است بر می‌دارند با دندان‌شان امتحان می‌کنند و هر دوسرش را به دندان می‌زنند که از سفت بودنش مطمئن شوند و بعد آنرا برمی‌دارند به این امتحان کردن چاشته «čāštə» می‌گویند .

2. čeme bapəšta I nafar oya eštān dāste delanda xāndi kāna žego ki oya I sa fayāt čiyana, I nafar diga eštān oyanda ča oya sasa žana hār kasi oya bāršiyo av adi bado āršiya ča odame bina ki aveš ārešta, agam neznaše a oya čave dāste delanda āreštə bape eštān oyān gerd Imtohon beka hār kina zenašə babāy agam neznašə gerd adi bado banešte ba kanu. Ila oya vāyti adi doa bina ki de savešan bāršiya.

۲. بعد از این کار یک نفر تخم‌مرغ را در دستش طوری می‌گیرد فقط یک سر تخم‌مرغ دیده شود نفر بعدی با تخم‌مرغ خودش به سر آن تخم‌مرغ می‌کوبد تخم‌مرغ هر کی شکست او بازنده می‌شود و باید تخم‌مرغ‌های بعدی را هم امتحان کند اگر نتوانست همه تخم‌مرغ‌های خود را می‌بازد و کنار می‌نشیند یک تخم‌مرغ وقتی از دور خارج می‌شود که هر دو سرش شکسته شود.

اهداف کلی: باعث تقویت روابط اجتماعی و همکاری میان افراد، رعایت حقوق دیگران، کاهش اضطراب اجتماعی و افزایش اعتمادبه‌نفس، ایجاد رقابتی سالم همراه با دقت .

اهداف جزئی: می‌تواند احساس شادی و آرامش را افزایش داده و به‌عنوان یک راهکار مؤثر برای مقابله با تنش‌های روزمره عمل کند.

نتیجه بازی: این بازی گروهی است و باعث حرکات و استراتژی‌ها هستند که می‌تواند به تقویت حافظه کوتاه‌مدت و بلندمدت کمک کند. همچنین، شرکت در این بازی‌ها نیازمند تمرکز بالا بوده و می‌تواند مهارت توجه و دقت را در افراد افزایش دهد.

واژگان بازی

عویه: «oya» تخم‌مرغ. جمعش «oyān» تخم‌ها می‌شود.

کینه: «kina» دختر. جمعش «kinān» دختران می‌شود.

چاشته: «čāštə» امتحان کردن.

آرشت: «ārešta» شکستن. یک فعل است که در این بازی به معنای از بین رفتن

یکپارچگی تخم‌مرغ بر اثر ضربه با تخم‌مرغی دیگر است.

بارشیو: «bāršiyo» بشکند. شکل مضارع التزامی ārešya است .

نژنشه: «neznašə» ندانست. شکل ماضی ساده «zenašə» دانست است که با آوردن *n* به اول منفی شده است.

سئخ: «sey» سنگ. یک اسم است که به ماده‌ای سخت و طبیعی و معدنی گفته می‌شود. در این بازی به صورت استعاره‌ای به کار رفته است و سفت بودن پوسته تخم‌مرغ را به مانند سنگ دانسته است.

4-3-2. وئیز وئیزنه

راوی: فردوسی پاکزاد، (متولد ۱۳۵۶). ساکن روستای عنبران علیا.

تاریخ مصاحبه: ۱۴۰۲/۱/۱۳

گردو بازی *veiz veizəna*

em hoyal ki āz šema ro vonam nomeš veiz veizəna.

این بازی که من برای شما می‌گویم نام آن گردو بازی است.

1. *em hoya čānd rož ba toža sore māndə šero babə tā sāle sənza oraxə bakārden, ča zoān hoya kinān xali kāmīn em hoya bakā. čem hoya akān de nafar tā nav nafarin yadanda nazm o nizāmanda yade domāu bakān, hoya akān hāiy eštāro veiz vānan gelə gərəze akerninan yadanda tefoḡ kānan če gərəze vasatanda hāiy čāngela veiz onan.*

1. این بازی چند روز به سال نو مانده شروع می‌شود تا آخر سیزده بدر بازی می‌کنند این بازی را بیشتر پسران انجام می‌دهند دختران خیلی کمتر این بازی را انجام می‌دهند، این بازی بین دو تا نه نفر با نظم و نظام خاصی پشت سر هم انجام می‌دهند. افراد بازی برای خود گردو می‌آورند و یک دایره روی زمین رسم می‌کنند با هم توافق می‌کنند که هر کدام در وسط آن دایره چند تا گردو بچینند.

2. *em veizon Ila xatanda damačoknen bayade, čayo če gərəze sə mətro yā Izara veI yā kām Ila nešona nonan ki hiški bape ča nešonako neztar nežanen, čayo jik beknə kānan ki nobān hama malom bebo tā oxo ave bapə ba jora yade domā šero bekan agam avalin nafar čeye bežano ba veizə veiz eštān verao jo bebo bayya ūdame lozim ni hani ča nešonako bežanen bape eštān lengə gərəzeko Izara doyarə bena čayo čeye bežane hār kasi čeye veiz ča gərəzo bekā a-veiz čave bina axta baža čeye ki fet bebo yani veiz hani če gərəzeko bənəšo.*

2. این گردوها را در یک خط می‌چینند، بعد از آن دایره سه متر یا یکم بیشتر یا کمتر یک نشانه معین می‌کنند که هیچ کس نباید از آن نشانه جلوتر بزند، بعد برای تعیین نوبت جیک و بورک (در مقدمه بازی‌ها شرحش آمده) انجام می‌دهند تا نوبت همه معلوم شود و تا آخر بازی باید آن را رعایت کنند، اگر نفر اول با بجول « چق » *čey* گردو را از جایش جابجا کند بقیه افراد لازم نیست دیگر از نشانه تعیین شده با بجول گردوها را هدف بگیرند بلکه بیرون از دایره از هرکجا خواستند می‌توانند این کار را انجام دهند، هرکس به بجول توانست گردو را از دایره خارج کند گردو برای او می‌شود و بجول هر کجا ماند درست باید از همان‌جا باز شانس خود را امتحان کند آنقدر این کار را تکرار می‌کند که دیگر بجول او نتواند گردو را از دایره خارج کند اگر بجول به گردو برخورد نکند به این عمل « فئت » *fet* می‌گویند.

3. *čayo noba barasa bayla, agam veiz doz ča gəræze xate nez bemāndo bave ūlogin bavot, ūlogan če hārkasi bebo ave rohate babā, bāskara I nafar tāmšoaka girāva bakā veizon pəmagatə batela, beko čorin bavot, čor ažan veizon gerd eštān dostonanda bāreštə bāhārdə, em hoyā tā dā sor peš anjom abi vali hani yodo bəšina.*

3. وقتی که بجول کسی به گردو برخورد نکرد و فئت اتفاق بیافتد؛ نوبت فرد دیگر می‌رسد، اگر گردو نزدیک خط دایره بیاید و بیرون نرود به آن اولوگ « *ūlog* » می‌گویند، اولوگ برای هر کسی باشد آن را راحت از دایره خارج می‌کند، بعضی وقت‌ها یک نفر از تماشاگران از فرصت استفاده کرده تمام گردوها را برداشته و فرار می‌کند به این کار چور « *čor* » می‌گویند کسی که چور زده گردوها را با دوستانش می‌خورد این بازی تا ده سال پیش انجام می‌شد ولی دیگر از یاد می‌رود و جوانان امروزی تمایلی به این بازی ندارند.

اهداف کلی: ایجاد روحیه همکاری، تقویت و مهارت در نشانه‌گیری و تمرکز حواس، ایجاد نشاط، رعایت حقوق دیگران، ترویج ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، ایجاد رقابت سالم، افزایش تعاملات اجتماعی، هوش و هیجان.

اهداف جزئی: گذراندن اوقات فراغت به شکلی سالم و آموزنده.

نتیجه بازی: این بازی گروهی است و باعث رشد و نمو و افزایش عکس‌العمل‌های کودک را به همراه دارد. همچنین با شکست، پیروزی و همکاری آشنا می‌شوند. این بازی در بین بزرگسالان هم رایج است و می‌تواند برای تندرستی بزرگسالان موثر واقع شود، حافظه، توجه و تفکر خلاق را در افراد مسن بهبود ببخشد.

واژگان بازی

وئیز: «veiz» گردو. یک اسم ساده و قابل شمارش است و به میوه درخت گردو اشاره دارد.

چانگئل: «čāngela» چند تا. یک ترکیب پرسشی و عددی است که برای پرسیدن مقدار یا تعداد چیزی به کار می‌رود و معمولاً همراه با اسم‌های قابل شمارش می‌آید، در این بازی برای نشان دادن تعداد گردو آمده است.

سال سنز: «sāle sənza» سیزدهمین روز از سال (سیزده بدر).

فئت: «fet» بیهوده شدن، به هدر رفتن، از دست دادن فرصت.

چور: «čor» دزدیدن. در زبان تالشی عنبران چور زدن به معنای دزدیدن و برداشتن چیزی بدون اجازه است.

تامشو اکه: «tāmšoaka» تماشاچی. یک اسم است یعنی فردی که یک رویداد، بازی و یا مسابقه‌ای را مشاهده می‌کند.

۳. نتیجه‌گیری

با تحلیل و بررسی بازی‌های بومی و محلی تالشی شمالی در منطقه عنبران، مشخص شد این بازی‌ها نمادهایی از رسوم، ارزش‌ها، و باورهای جامعه هستند که نقش مهمی در شکل‌گیری هویت فرهنگی دارند. متأسفانه کودکان و بزرگسالان عنبران که تا دیروز اوقات فراغت خود را با بازی‌هایی از قبیل وئیز وئیزنه، قییشه نه، قره قزنه و ... سپری می‌کردند، امروزه بیشتر این بازی‌ها فراموش شده‌اند و دیگر اوقات فراغت مردمان را پر نمی‌کنند و جای خود را به بازی‌های الکترونیکی داده‌اند. احیای این بازی‌ها می‌تواند موجب تقویت پیوندهای اجتماعی، ایجاد حس همبستگی، و تقویت روحیه مشارکت

در جامعه شود. با بررسی بازی قره قزنه مشخص شد این بازی گروهی است و باعث رشد و نمو و افزایش عکس‌العمل‌های کودک را به همراه دارد. در بین بزرگسالان هم رایج است و می‌تواند برای تندرستی بزرگسالان موثر واقع شود، حافظه، توجه و تفکر خلاق را در افراد مسن بهبود می‌بخشد. بازی قیسه نه، نیز یک بازی گروهی است، شرکت در این بازی‌ها نیازمند تمرکز بالا بوده و می‌تواند مهارت توجه و دقت را در افراد افزایش دهد. بازی وئیز وئیزه باعث رشد و نمو و افزایش عکس‌العمل می‌شود، توانایی‌های ذهنی، استدلالی و حل مسئله افراد را بهبود می‌بخشد، در ایجاد تعامل میان نسل‌ها نقش مهمی دارد؛ زیرا افراد مسن‌تر می‌توانند این بازی‌ها را به کودکان آموزش دهند و از این طریق تجربه‌های خود را به نسل‌های جوان‌تر منتقل کنند. پرداختن به این بازی می‌تواند به حفظ میراث فرهنگی، تقویت روابط اجتماعی، ارتقای کیفیت زندگی افراد کمک کند. بنابراین، بازشناسی و توسعه بازی‌های بومی نه تنها در حفظ سنت‌ها بلکه در ارتقای ارتباطات اجتماعی و رشد فردی نیز نقش مهمی دارد. بازی‌های بومی و محلی ابزاری برای سرگرمی هستند و نقش مهمی در حفظ میراث فرهنگی، تقویت مهارت‌های اجتماعی، و رشد شناختی افراد دارند. این بازی‌ها، که از گذشته‌های دور در جوامع مختلف رواج داشته‌اند، علاوه بر ایجاد لحظات شاد و پرنشاط، موجب آموزش غیرمستقیم مفاهیمی مانند همکاری، تعامل اجتماعی، و حل مسئله می‌شوند. علاوه بر این در توصیف این بازی‌ها توسط گویشوران لغات و اصطلاحات تخصصی مختص هر بازی که تعدادشان هم کم نیست به کار رفته که از منظر زبان‌شناسی قابل بررسی هستند چون در دل آن‌ها گنجینه‌های فراوانی از واژه‌هایی که دیگر کاربرد ندارند نهفته است مانند چور : «čor» به معنی دزدیدن. در زبان تالشی عنبران چور زدن به معنای دزدیدن و برداشتن چیزی بدون اجازه است. این واژه دیگر کاربردی ندارد.

منابع

- اخوان، ابوالفضل، و همکاران. (۱۴۰۲) مطالعه مردم‌شناختی بازی‌های بومی (مورد مطالعه: فضای گردشگری فرهنگی؛ موزه مردم‌شناسی شهرستان ارومیه). *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، دوره ۱۳(۱)، ۹۹-۱۲۱.

doi: ۱۰.۲۲۰۵۹/ijar.۲۰۲۳.۳۵۵۳۸۲.۴۵۹۷۹۸

- اشرفی، لیلا. (۱۳۸۶) بازی‌های سنتی آذربایجان. *فرهنگ مردم ایران*. شماره ۸۶، ص ۱۴۱-۱۵۰.

<https://ensani.ir/fa/article/۲۶۴۶۱۶>

- افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، و همکاران. (۱۳۹۹) تحلیلی بر توزیع فضایی بازی‌های بومی و محلی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: روستاهای بخش خورش رستم شهرستان خلخال). *فصلنامه گردشگری و توسعه*، سال نهم. شماره ۱ (پیاپی ۲۲). ص ۲۳۵ - ۲۵۱.

<http://noo.rs/VYuD۶>

- امیری، فریدون. (۱۳۷۰) *بازی‌های محلی*، تهران: انتشارات جهان معاصر.
- آنی‌زاده، علی. (۱۳۸۷) «درآمدی بر عناصر سازنده بازی‌های سنتی»، *فصل‌نامه فرهنگ مردم ایران*، بهار، ۱۳۸۷، ش ۱۲، صص ۸۱-۱۰۶.

<https://elmnet.ir/doc/1913410-94271>

- بلوک باشی، علی. (۱۳۸۶) *بازی‌های کهن در ایران*. چاپ اول. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- پورمحمدی، پریسا، و همکاران. (۱۳۹۸) مطالعه‌ی مردم‌شناختی بازی‌های بومی - محلی در بخش غربی زاگرس. *فصلنامه مطالعات ایلام‌شناسی*. دوره ۴، شماره ۱۰، ص ۱-۲۳.

https://www.ilamstudy.ir/article_127347.html.e127347

- جمالی گشتی، اعظم. (۱۳۹۷) *بازی‌ها سرگرمی‌ها و آیین‌های تالشی*، رشت، نشر ایلیا.

- جوشقانی، سعیده. (۱۳۹۷) تحلیل بازی‌های بومی محلی "بررسی موردی بازی زو".
دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی، سال سوم، شماره ۲، پیاپی ۱۰. ص
<https://civilica.com/doc/796424/>. ۴۵-۳۵
- جهازی، ناهید. (۱۳۹۵) « ترانه بازی‌های کودکان » فصل‌نامه فرهنگ مردم ایران، زمستان،
۱۳۹۵، ش ۴۷، صص ۵۱-۷۴. <http://noo.rs/F2pFD>
- حسن‌پور، غلام‌حسین. (۱۳۸۷) ورزش‌های بومی و محلی. تهران: بامداد کتاب.
- خدادادی، محمدرسول. (۱۳۸۹) بازی‌های بومی و محلی شمال غرب ایران. تهران: عصر
انتظار.
- خدادادی، محمدرسول، عسکریان، فریبا. (۱۳۸۹) بازی‌های بومی و محلی شمال غرب ایران
آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل. تهران: انتشارات حتمی.
- خدامی، سید حسن. (۱۳۸۸) بررسی مردم‌شناسی بازی‌های سنتی شهرستان گرمسار. پایان
نامه ارشد مردم‌شناسی. دانشگاه آزاد تهران مرکزی.
- رخشنده، قهرمان. (۱۳۸۸) بررسی مردم‌شناختی فرهنگ بازی‌های بومی محلی در روستای
مرزداران. پایان‌نامه ارشد مردم‌شناسی. دانشگاه آزاد تهران مرکزی.
- رضا پسند، حبیب‌اله. (۱۳۸۶) بررسی مردم‌شناسی بازی‌های سنتی در استان ایلام. پایان‌نامه
ارشد مردم‌شناسی. دانشگاه آزاد تهران مرکزی.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم. (۱۳۸۷) «نمودهای اجتماعی و مردم‌شناختی در گویش تالشی»
گویش‌شناسی، ۵ (۱)، ۵۵-۷۹. <https://www.magiran.com/p1221005>
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم. (۱۳۹۰) زبان تالشی توصیف گویش مرکزی. رشت: انتشارات
فرهنگ ایلیا.
- رضایی آقاجان، مریم، و همکاران. (۱۳۹۸) مقایسه بازی‌های سنتی و نوین دوره ابتدایی از
منظر ارزش آموزشی. فصلنامه تفکر و کودک سال دهم. شماره ۱ (پیاپی ۱۹). صص ۷۳-۹۹.
(doi): [10.30465/fabak.2019.4158](https://doi.org/10.30465/fabak.2019.4158)

- رضوانفر، مرتضی. (۱۳۸۹) *بازی‌های بومی و محلی ایران*. تهران: انتشارات آبادبوم.
- سبز علیپور، جهان‌دوست. (۱۳۹۵) *راهنمای گویش‌شناسی*. رشت: انتشارات فرهنگ ایلیا.
- سهراب‌نژاد، علی حسن. (۱۳۹۵) پژوهشی در بازی‌های زبانی ادبیات عامه گردی ایلام. *فرهنگ و ادبیات عامه*، سال چهارم. شماره ۸. ص ۴۵-۶۹.

Doi: [20.1001.1.23454466.1395.4.8.2.3](https://doi.org/10.1001.1.23454466.1395.4.8.2.3)

- شریفی، حسن. (۱۴۰۰) *نقش بازی‌های بومی در توسعه اجتماعی*. تهران: نشر دانشگاه تهران.

- شوکتی، آیت. (۱۳۹۸) توده‌شناسی بازی‌های آذربایجانی در شعر شهریار. *فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*. دوره ۹، شماره ۴ - شماره پیاپی ۲۶، ص ۴۵-۶۴.

(doi): [10.30495/IRLL.2019.671514](https://doi.org/10.30495/IRLL.2019.671514)

- فجوری، ستار. (۱۳۸۳) *بازی‌های بومی ترکمن‌ها*. گرگان: انتشارات فراغی.
- فرید، محمدرضا. (۱۳۹۵) *بازی‌های سنتی ایران*. تهران: نشر فرهنگستان هنر.
- فقیری، ابوالقاسم. (۱۳۵۳). *بازی‌های محلی فارس*. شیراز: انتشارات اداره فرهنگ.
- قاسمی خطیر، نبی‌الله. (۱۳۹۰) *مردم‌شناسی بازی‌های محلی مازندران*. تهران: انتشارات رسانش.
- قزل ایاغ، ثریا. (۱۳۷۹) *راهنمای بازی‌های ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کاشف، میرمحمد. (۱۳۷۷) *بازی‌های بومی و محلی آذربایجان غربی*. ارومیه: انتشارات تکوین.
- محمدی، آیت. (۱۳۸۳) *فرهنگ بازی‌های محلی ایلام*. تهران: انتشارات سمیرا.
- ملک محمدی، غلامحسین. (۱۳۶۴) *ورزش‌های سنتی بومی و محلی*. تهران: انتشارات کمیته ملی المپیک.
- موسوی، هاشم. (۱۳۸۶) *نمایش‌ها و بازی‌های سنتی گیلان*. رشت: انتشارات ایلیا.

- مهجوریان نمادی، علی اکبر. (۱۳۷۴) *باورها و بازی‌های مردم آمل*. ساری: انتشارات فرهنگ خانه مازندران.

- نظری، محمدرضا. (۱۳۸۱) *بازی‌های بومی لرستان*. خرم‌آباد: انتشارات افلاک.

- نقوی، محمدرضا؛ مریدالسادات، پگاه؛ فتاحی، احداله؛ عبادیان، مهشاد. (۱۳۹۲) ارزیابی جایگاه بازی‌های بومی و محلی در توسعه مناطق روستایی نمونه موردی دهستان میانکاله شهرستان بهشهر. *نشریه برنامه ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)*. دوره ۱۷ شماره ۴. ۱۱۱ - ۱۲۸.

SID. <https://sid.ir/paper/172007/fa>

- نقی‌زاده باقی، عباس، لعل فام، میترا. (۱۳۸۶) *بازی‌های بومی محلی استان اردبیل*، انتشارات محقق اردبیلی.

- نیازی، مرجان. (۱۳۹۰) *بررسی وضعیت بازی‌های بومی و محلی استان گلستان*. پایان نامه کارشناسی ارشد. واحد تهران مرکزی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.

- هادی‌پور، مژگان. (۱۳۷۱) *بازی‌های بومی و محلی چهارمحال و بختیاری*. تهران: انتشارات آموزش و پرورش.

- هدایت، صادق. (۱۳۷۸) *فرهنگ عامیانه ایران*، تهران: انتشارات چشمه.